



محمد قائد: من چون او

20 نوامبر 2015 - 29 آبان 1394

هم‌رسانی



پاسخ سرراست و دم دست: صاحب این کیبورد چنانچه مؤنث به دنیا آمده بود حتماً نامی دیگر داشت.



(یک بار از پدرم پرسیدم چرا اسم پسرهایش برگرفته از اولیا و انبیاست اما اسم دخترهایش نه. گفت اسم دختر باید امروزی و مردم پسند باشد. در حال، نام خانوادگی ام همچنان کنسول پسند نبود و به گرفتن ویزا در این روزگار کمی نمی کرد. انگار کسی به کنسول جمهوری اسلامی ایران بگوید: اینجانب شمر ذی الجوشن تقاضای دریافت روایت دارم.)

تفاوت دیگر اینکه یک قبضه محاسن نداشت و ارتفاعش از سطح دریا کمتر بود.

نظر نویسندگان دیگر را هم در این صفحه بخوانید

اما پاسخ به اینکه چگونه زنی می بود به همان آسانی نیست. در امتزاج ژنها، لابد شبیه خواهرانش بود. اما آنها عین هم نیستند.

یا می توان گفت از نظر فضای رشد اجتماعی منطقاً شبیه دختران همسال و همکلاس بود. اما آنها هم جوجه ماشینی نیستند و در وجه منش و روحیه، در چهار و شش و ده دسته نمی گنجند.

دسته بندی پدیده های انسانی — و به تبع آن، اجتماعی — شاید ابتدا آسان به نظر برسد اما تقسیم بندی آدمها به زن و مرد رایج ترین و سست ترین نوع رده بندی است.

فیزیولوژی و مشخصات سیمای هر جنس برای دسته بندی اکثریت بزرگ افراد در نخستین وهله جای چندوچون نمی گذارد: معمولاً یا این یا آن. اگر از این بگذریم — که اگر سختی است — زن یا مرد بودن چگونه کیفیتی است؟

بسیاری خصلتهای منتسب به زنان و مردان کلیشه هایی اند همانند تصویرها از شهدی و تبریزی و اصفهانی و کرمانشاهی. قالب که دست بگیریم و دنبال مصداق بگردیم، جوینده یابنده است، نه یکی دوتا که ده تا و صدتا. اما گذشته از مضامین لطیفه ها، اگر مثلاً فرد آبادانی خود را اهل بیرجند، کرمان یا جاهای دیگر معرفی کند بسیار تردید دارم هر ناظری بتواند به آسانی کشف کند همصحبش کجا به دنیا آمده و بزرگ شده.

یکی از کلیشه ها عاطفی بودن زن در مقابل خردناک بودن مرد است. تجربه من غیر از این می گوید. چه بسیار انسانهای مذکری که میان استدلال عقلی و کشش عاطفی سرگردانند؛ و چه بسیار انسانهای مؤنث برخوردار از موهبت تعادل میان این دو، و حتی متمایل به حسابگری همچون سپری برای دفاع از خود در جهانی پرخطر.

زمانی یک کلیشه رایج در داستانها "خط ظریف زنانه" بود که احوال پرسوناژ مذکر را دگرگون می کند و شرار عشق به جانش می افکند.

در عالم واقع، شاید برخی دخترها از سالهای دبستان جمع وجورتر و دایره وار تر از بعضی پسرها بنویسند. اما تفکیک دستخط به دو نوع زنانه و مردانه مبتنی بر مشاهده و تجربه نیست، کلیشه است. چه بسیار آدمها از هر دو جنس که درشت و کشیده یا مورچه وار می نویسند. وقتی شمار نمونه ها بزرگ باشد، تفکیک تمام دستخط ها به مردانه و زنانه هیچ آسان نیست. به نظرم حتی ممکن نیست.

پرسش آغازین می تواند به طور ضمنی حاوی این معنی هم باشد: چنانچه مؤنث به دنیا آمده بودی دوست داشتی جای کدام زن یا زنایی که می شناسی باشی؟

اگر فرض کنیم قرار بر آزادی انتخابی خیالی باشد، چرا بهترین (ها) را انتخاب نکنیم؟ سعیدقصاب کاشانی شاعر عهد صفویه سرود "سودا چنین خوش است که یکجا کند کسی." مظهر سودای یکجا: زن باهوش و زیبا و موفق و سرآمد بودن.

در مواردی یک زن شاید کمتر از مرد هم رده و هم طبقه خود به خواست خویش برسد اما به احتمال زیاد از مرد فرودست تر از خویش موفق تر و برخوردارتر است. بر این قرار، فرد مذکر برای پیشرفتی فرضی باید با جنسیت دیگر در موقعیت اجتماعی فرادست تر در جامعه ای پیشرفته تر به دنیا بیاید.

زمانی یکی از سیاسیون ایران اسلامی در توجیه حجاب گفت زنان زیبا دیکتاتوری می کنند. منظورش این بود که پوشاندن زیبایی زنان در واقع مردها را از خطر استیلای زنان زیبا در امان نگه می دارد.

درست تر این است که بگوییم زنان زیبا از زیبایی شان سود می برند.

هرکسی حق خویش می‌داند از امتیازش استفاده کند — ورزشکار از ماهیچه و چالاکی اش، ریاضیدان از قدرت استدلالش، شطرنج‌باز از سرعت انتقال و توان پیش‌بینی اش — اما در حیطه‌ای معین و نه در همه جا و تمام حالات.

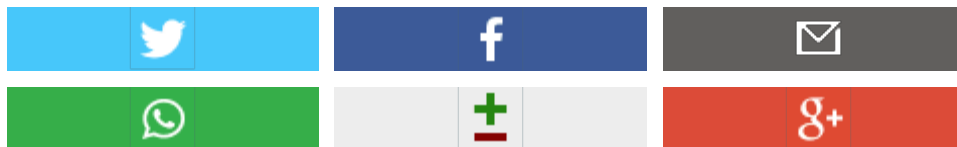
درباره بهره‌گیری عایشه، شهر آشوب صدر اسلام، از امتیازها و جاذبه خویش همین قدر می‌دانیم که مولی‌الموحدین وقتی در نهج البلاغه کل زنان را لعن و تحقیر می‌کند، به اعتقاد مفسرانی نظر به او دارد. و می‌گویند آیه‌ای که در ذمّ تجسس نازل شد محض خاطر شخص او و برای چیدن نوک شایعه پراکن‌ها بود.

باری، پس از تمام صغرا کبراه‌ها، آیا زن باهوش و زیبا به دنیا آمدن و موفق و سرشناس شدن لزوماً یعنی خوشبخت (تر) بودن و برخورداری از خوشبختی پایدار؟ این داستان دیگری است.

بی‌بی‌سی فارسی مانند سالهای گذشته، امسال هم صفحه ویژه‌ای درباره زنان دارد با عنوان ۱۰۰ زن. به همین مناسبت از زنان موفق جامعه خواسته‌ایم که مطلبی برای ما بنویسند با این موضوع که اگر زن نبودند چه مشکلاتی پیش رو نداشتند. در مقابل از مردان موفق جامعه هم می‌پرسیم که اگر مرد نبودند و زن بودند، آیا به جایی که اکنون دارند، می‌رسیدند؟ از نویسندگان می‌خواهیم که یادداشتی بنویسند و خودشان را در جایگاه همکاران و همتایان زن بگذرانند و راهی که طی کرده‌اند و تا به این جا رسیده‌اند را یک بار از نگاه یک زن ببینند. آیا اگر زن بودند به موقعیت پائین‌تر و یا حتی بالاتری دست پیدا می‌کردند و یا بخاطر مرد بودن شان بوده که به این جایگاه رسیده‌اند؟ موانع قانونی، عرفی و شرعی که در حرفه شان برای زنان وجود دارد، اما برای آنها مشکلی ایجاد نکرده چه بوده است؟ محمد قائد، نویسنده و روزنامه‌نگار در ایران برای ما نوشته که به برخی از تفاوت‌ها اشاره کرده است.

[مشاهده نظرات](#)

هم‌رسانی چگونه می‌توانید این مطلب را به دیگران برسانید



بلا

مطالب مرتبط

صفحه ویژه؛ ۱۰۰ زن

20 نوامبر 2015 - 29 آبان 1394

[مطالب بیشتر از فرهنگ و هنر <](#)